

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۱۴ جولای ۲۰۱۳

زن و حقوق وی در اسلام و افغانستان

۲

باید به هم رسیم که موجی شود بلند

هر قطره‌ای علیحده دریا نمی شود

بخش دوم

در باره دو مورد از قانون منع خشونت علیه زنان که در بخش اول از آن تذکر رفت و نمایندگان پارلمان و تعداد زیادی از چیز فهم های اجتماعی به صراحت اعلام داشتند که این قانون خلاف اسلام است؟؟ یعنی طرح این قانون با مواد مندرج آن اسلامی نیست؟؟ بلی! این گفتار شان کاملاً صحت دارد

اسلام برای زن حقی قابل نیست و ما همه آن را می فهمیم اما چیزی نمیگوئیم، چرا؟ بهتر است به خود نظر انداخته و از خود شناخت داشته باشیم تا بتوانیم انگیزه های همچو عکس العملی را در عمل کرد یک تعداد مردم ببابیم.

ما مردمی که در قلمرو جغرافیائی به نام افغانستان زندگی داریم مردمان عجیب و غریبی هستیم، البته نه از نگاه ساختمان جسمی، بلکه از دیدگاه عقیده، طرز تفکر و عملکرد.

ما از دیدگاه ساختمان جسمی و فیزیکی با هیچ کدام از موجودات این کره خاکی که به نام انسان و یا آدم یاد می شوند فرقی نداریم مثل آن ها چشم و گوش، قلب، دست و پا و احساس داریم، اما چرا از دیگر مردم خود را متمایز می دانیم؟؟ جامعه و دیگران را نمی شناسیم؟ و هر کدام ما در قلمرو فکری خود برای خود جهانی، ایده ای، و باور های دنیائی و اخروی خاص خود داریم؟ مثل همه مردم دنیا، لیکن ما خود را همیشه برتر از دیگران می پنداریم، با سر زوری و خود را بلند نگهداشتن، دعوی نمودن، فقط حرف زدن، می خواهیم چنین نشان دهیم که هر چه است ما هستیم و جز ما دیگران هیچ!!؟ چون ما مسلمانیم!! و به همین ملحوظ نه ما راه تمدن و ترقی را می پیمائیم و نه به سطح بالاتر خود را ارتقا می دهیم و اصلاً به آن فکر هم نیستیم؟ ما می گوئیم وطنپرست هستیم و سلطه بیگانگان را نمی پذیریم!! اما تعداد زیادی از ما غلام و برده عرب، شوروی ها، غربی ها، آخوند های ایرانی، ملا های دیوبندی بوده به خون هموطن خود تشنه و میل فراوان دارند مخالف خود را از بین برده و خونس را نوش کنند؟ می گویند انسان دوست هستیم؟ اما از انسانیت به قدر کافی چیزی نمی دانیم، می گوئیم ما مسلمانیم؟؟؟؟ و جز ما و عقیده ما دیگر همه هیچ و پوچ؟؟ اما نمی دانیم چرا مسلمانیم؟ و چطور مسلمان شدیم؟ اما ادعا داریم باید همه مردم دنیا همه کس به آنچه می گوئیم باید اعتقاد، ایمان و باور داشته باشند؟؟ و از آن پیروی نمایند؟؟ در غیر آن هیچ و همه هیچ؟؟

این است بر داشت ما !! اما چرا از واقعیت بینی دوریم ؟ برای این که ما هرگز فکر نکرده‌ایم که کسی دیگر مثل ما مغز و اندیشه و اعتقادی دارد ، و باور های ما به آنچه می‌اندیشیم که توسط اجنبی ها به خورد ما داده شده است ؟ و هم بر ما تحمیل شده و مارا مجبور به پیروی و اطاعت از آن اندیشه ساخته‌اند ، چون ساختمان فکری ما را چنین رشد داده و در جریان زندگی چنین تکامل یافته است !! و از ما مسلمان ساخته‌اند !! پس بدا به حال ما ؟؟؟

رهبران اسلامی ما علیه کفار اعلان جهاد می دارند اما همین رهبران ، ملاها، پیشوایان اسلامی و تعداد زیادی از مردم خود ما بد شان نمی‌آید تا از خوان همین کفار استفاده نموده پول، خوراک، پوشاک و هر نوع وسایل زندگی را نصیب شوند.

با این طرز اندیشه عقاید اسلامی ما که سخت با عنعنات و کلچر فرسوده ما گره خورده و اکثریت ما را موجودات خشن، نا آگاه و بی‌خبر و تا اندازه‌ای بی احساس بار آورده است می‌بینیم که لت و کوب شدن زن افغان توسط شوهر و فامیلش جزء فرهنگ زندگی اجتماعی جامعه مرد سالار ما در چوکات بندی های شرعیت اسلامی مطرح شده دکانداران دین و دانشمندان اسلامی از صد ها سال به این طرف گردیده و تفوق مرد در هر جهت در زندگی روز مره خانوادگی و جامعه مشهود بوده است و به مرور زمان زن‌ها در کشور ما چنین تلقین شده‌اند که رضای خداوند چنین رفته است.

من در نوشته‌های قبلی‌ام از موقف و جایگاه زن در اسلام مفصلاً نوشته و آیات قرآنی مرتبط به این موضوع را هم شرح داده‌ام ، بد بختی بزرگ زن افغان در این است (مثل اکثر زن‌ها در جوامع اسلامی) که هدایات آسمانی به نفع مرد ها بوده و در همه کتاب‌های آسمانی از زن وسیله‌ای برای رفع ضرورت‌های مرد و ملکیت مرد ها یاد شده است ، و آن‌ها نمی‌دانند و بی‌خبر نگهداشته شده‌اند، نمی‌دانند که روی ملحوظات خاصی از تعدد زوجات مرد ها در قرآن ذکر شده است تا باشد که وسیله خوشگذرانی مرد‌ها شکل مقدس پیدا نموده و این هدایات هم قابل بر گشت نمی‌باشد ، با وجودی که نیمچه ملاها، داکتران و انجنیران اسلامی به شمول حجت الاسلام ها و آیت الله ها در این اواخر سعی برین داشته‌اند که از آیات قرآنی نظر به شرایط زندگی امروزی بشریت تفسیر های انسانی بدارند و دلایلی بیآورند که روی فلان ملحوظ و فلان خاطر چنین آیاتی آمده است اما متأسفانه نمی‌توانند در ماهیت آیات ضد زن در قرآن با تفسیر های گوناگون تغییر وارد و ادعای میان خالی این که در اسلام حق زن و مرد مساوی است را برای مردم آگاه قابل قبول سازند و در این میان آنانی که خود را با سواد تر و تحصیل یافته تر از نیمچه ملا ها می‌دانند با تفسیری جدید از قرآن و استناد به احادیث محمدی رذیلانه طرح داشته‌اند که حتی از نواج با طفل چهار ساله هم جایز است ؟؟؟

این جنابان تحصیل یافته های الازهر می‌باشند و همین را آموخته‌اند.

در مورد مرد ها که می‌توانند تا چهار زن را نکاح کنند و تفاوت میراث به مرد و زن آیاتی قرآنی به وضوح وجود دارد و این خو، د لیلی است برای مردان ، و بدبختانه در اکثر کشور های اسلامی و مخصوصاً مملکت ما مرد ها به مرض چند همسری مبتلا بوده و زندگی های انسانی هزاران دختر افغان را به باد فنا داده‌اند که البته در این مورد فقر کشنده اقتصادی مردم رول مهم و بسزائی داشته است و اکثراً مردم پول‌دار و به اصطلاح مهم اسلامی به همچو کاری دست می‌زنند و اسلام هم مدافع عمل شان می‌باشد

این زن افغان که دست‌های مرموز بشری روی ملحوظات خاص در مقطع‌های زمانی مشخص از آن‌ها موجوداتی بیحس، بیحرکت و فاقد هرگونه حق انسانی ساخته است بد بخت ترین قشر موجودات زنده را در کشور ما و کشور های اسلامی تشکیل می‌دهند مخصوصاً این که دین اسلام هم در تقابل با امیال و خواسته‌های به حق آن‌ها قرار داشته و با هدایات مستقیم آن‌ها را جزء ملکیت شوهران شان قرار داده است.

بد بختی دیگری که در پهلوی این همه نا بسامانی ها در قبال حیات زن افغان دامنگیر آنها شده است اینست که به علاوه

دشمنی اسلام ، ملا و هدایت گران اسلامی ، مرد ها مخصوصاً اعضای فاملیش ، یک تعداد زنهای خود فروخته و همجنس شان روی دلایل خاصی به ضد حقوق زن قرار گرفته و زیر نام اسلام در ردیف مرد ها و اسلاميون و یا در مجموع در چوکات زن بودن علیه زن وا ایستاده اند و اگر این موضع گیری آنها را جدی بگیریم و نظری به آن افکنده و فتوا صادر نماییم این خواهد بود که چون داد خواهی و خواستار بودن حقوق حقّه زنان خلاف هدایات اسلامی است پس زن از نگاه حقوقی قابل اعتبار نبوده و زن باید همچنان محکوم باشد ، بلی خیلی هم ساده !!؟

اکنون در جامعه ای که شخصیت فزیکتی زن ارزش حقوقی ندارد و موجودی که در اجتماع اسلامی مخصوصاً کشور ما فاقد هر نوع حقوق انسانی است ، انسانی که فقط کنیز و نوکر آفریده شده است و مطلقاً مطیع اوامر و دستور های شوهر و خانواده او می باشد و دین اسلام هم تا آنجا برایش محدودیت خلق نموده تا چشمانش در حدود همین رسم و رواج در چوکات اسلامی بینش بیشتر نداشته باشد چطور می تواند از حقوق مدنی انسانی بر خوردار شود؟؟ تا امروز هیچ کشور اسلامی نخواستۀ تا از حقوق مساوی زن و مرد از دیدگاه قرآن و اسلام صحبت نماید چون اصلاً حقوق مساوی در اسلام مطرح نیست پس هیچ کشور و جماعت اسلامی نمی تواند از آنچه که در اساس و تهداب موجود نیست، بحث دارند !!؟؟

این چند متجدد اسلامی فقط به خاطر این که خود را منحیث روشنفکر اسلامی در جامعه مطرح دارند با دلایل و اراجیف طفلانه موضوعاتی را در دفاع از حقوق زن مطرح می دارند که اصلاً در اسلام پایه و بنیادی ندارد. عملکرد وکلای پارلمان نام نهاد افغانستان و تظاهرات یک تعداد مردم به ضد قانون به اصطلاح (منع خشونت علیه زنان) و همچنان بیانیۀ های شدید الحن چند مولوی به شمول آقای نیازی فارغ التحصیل الازهر نشاندهنده آنست که جزئی ترین حق برای زن در اسلام موجود نیست ، همه حقوق در انحصار مردان قرار دارد. البته این تنها اسلام نیست که در ضدیت با زن و حقوق انسانی قرار دارد تمام ادیان آسمانی چنین اوامر و فرامینی به ضد زن را دارا می باشد ، تورات و انجیل پر است از احکام ضد زن و این که نباید حقوقی برای زن قایل شد بلکه زن را همیشه زیر کنترول داشت و بر آن حکومت کرد و هدایت داد و در صورت خلاف او را باید مجازات نمود. و اسلام دینی است بر گر فته شده و ادامه دهنده ادیان گذشته.

از زمانی که این عکس العمل ها در مقابل آن قانون در افغانستان تبارز نمود هیچ کسی در دفاع از حقوق زن بر نخاست ، به جز چند زن پارلمان نشین که تا اندازه ای بگو مگوی ابتدائی داشتند که آنهم به برکت زور و پول نمایندگان استعمار به زودی خاموش گشت.

به نظر من تنها راه نجات زن افغان از چنگال ظلم و بیعدالتی که در حق او شده و می شود این است تا مرد و زن آگاه و متعهد در این راستا کاری مثبت غرض بیداری آنها انجام دهند ولو به پیمانۀ کوچکی هم باشد تا به مرور زمان این طلسم شیطانی از بین رفته و مرد و زن با احساس مسؤولیت با همدیگر بسیج شده و اساسات و بنیاد جامعه ای که بر مبنای طبقات و تأمین منافع استعمار گران در جریان است، را تغییر انقلابی دهند

پایان